او پرتلاطم ، مانند دریاست ، در موسم باد
او مثل رود است ، پاک خروشان ، لبریز فریاد
در دستهایش ، سنگ است امروز ، در قلبش امید
غرق نگاهش ، فردا دوباره ، خواهد درخشید
اکنون اسیر است ، در دست دشمن ، کاشانه او
افکنده سایه ، ظلم و سیاهی ، بر خانه ی او
اندوه و ماتم ، در سینه دارد ، در مشت طوفان
داغ جدایی ، در چهره دارد ، در چشم باران
{ فردا دوباره ، با دست و طوفان ، لعن است و فریاد
بیت المقدس از کوشش او خواهد شد آزاد } (2)
خواهد شد آزاد ، خواهد شد آزاد

او پرتلاطم ، مانند دریاست ، در موسم باد
او مثل رود است ، پاک خروشان ، لبریز فریاد
در دستهایش ، سنگ است امروز ، در قلبش امید
غرق نگاهش ، فردا دوباره ، خواهد درخشید
اکنون اسیر است ، در دست دشمن ، کاشانه او
افکنده سایه ، ظلم و سیاهی ، بر خانه ی او
اندوه و ماتم ، در سینه دارد ، در مشت طوفان
داغ جدایی ، در چهره دارد ، در چشم باران
{ فردا دوباره ، با دست و طوفان ، لعن است و فریاد
بیت المقدس از کوشش او خواهد شد آزاد } (2)
خواهد شد آزاد ، خواهد شد آزاد

او پرتلاطم ، مانند دریاست ، در موسم باد
او مثل رود است ، پاک خروشان ، لبریز فریاد
در دستهایش ، سنگ است امروز ، در قلبش امید
غرق نگاهش ، فردا دوباره ، خواهد درخشید
اکنون اسیر است ، در دست دشمن ، کاشانه او
افکنده سایه ، ظلم و سیاهی ، بر خانه ی او
اندوه و ماتم ، در سینه دارد ، در مشت طوفان
داغ جدایی ، در چهره دارد ، در چشم باران
{ فردا دوباره ، با دست و طوفان ، لعن است و فریاد
بیت المقدس از کوشش او خواهد شد آزاد } (2)
خواهد شد آزاد ، خواهد شد آزاد

او پرتلاطم ، مانند دریاست ، در موسم باد
او مثل رود است ، پاک خروشان ، لبریز فریاد
در دستهایش ، سنگ است امروز ، در قلبش امید
غرق نگاهش ، فردا دوباره ، خواهد درخشید
اکنون اسیر است ، در دست دشمن ، کاشانه او
افکنده سایه ، ظلم و سیاهی ، بر خانه ی او
اندوه و ماتم ، در سینه دارد ، در مشت طوفان
داغ جدایی ، در چهره دارد ، در چشم باران
{ فردا دوباره ، با دست و طوفان ، لعن است و فریاد
بیت المقدس از کوشش او خواهد شد آزاد } (2)
خواهد شد آزاد ، خواهد شد آزاد